



توسعه جوامع محلی پیراشهری با تأکید بر نقش مدیریت مشارکتی (مورد: صفادشت)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

صفحات: ۱۸۸-۱۶۹

اسماء نورمحمدی؛ مربی گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.
رضوان قربانی‌سالخورد؛ مربی گروه نقشه‌برداری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.
فاطمه علی‌زاده‌وندچالی؛ کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

هدف پژوهش حاضر، سنجش توسعه جوامع محلی پیراشهری صفادشت با تأکید بر نقش مدیریت مشارکتی است. روش تحقیق کمی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی می‌باشد. پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر روش، در گروه پژوهش کمی قرار دارد. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل تلفیقی (سواری فازی و کوپراس فازی) و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل دو بخش می‌باشد، بخش اول ساکنین محلی عرصه پیراشهری صفادشت می‌باشد که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و روش کوکران، تعداد (۳۷۹ خانوار) به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. در بخش دوم نیز جامعه آماری شامل افراد متخصص و صاحب‌نظر در این حوزه می‌باشد، با توجه به اینکه جامعه نمونه در بیشتر مدل‌های فازی بین ۲۰-۳۰ نفر می‌باشد، در این قسمت از پژوهش نیز ۲۰ نفر (متخصص) به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. نتایج مشخص کرد، وضعیت مدیریت مشارکتی و به دنبال آن وضعیت توسعه جوامع محلی در منطقه پیراشهری صفادشت در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، بنابراین بین دو متغیر ارتباط معنادار و مثبتی مشاهده شد. در ادامه نیز، نتایج مدل تلفیقی (سواری فازی و کوپراس فازی) به منظور رتبه‌بندی میزان تأثیرپذیری مدیریت مشارکتی در هر یک از مؤلفه‌های مطرح‌شده در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) نشان داد، امتیاز کل بعد اجتماعی (۷۲/۳۴)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد، و از بین مؤلفه‌های آن، بیشترین میزان تأثیر مدیریت مشارکتی در مؤلفه (مشارکت و کنترل محلی) می‌باشد. همچنین در بعد اقتصادی، امتیاز کل (۷۲/۴۸)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد، و از بین مؤلفه‌های آن، عدالت و رفاه اقتصادی با امتیاز (۷۳/۱۱)، بیشترین میزان تأثیر را از مدیریت مشارکتی به خود اختصاص داده است. در نهایت، امتیاز کل بعد زیست‌محیطی (۷۱/۳۴۵)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد، و بین مؤلفه‌های آن، تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی با امتیاز (۷۲/۴۴)، بیشترین میزان تأثیرپذیری را از مدیریت مشارکتی به خود اختصاص داده است.

چکیده

واژه‌های

کلیدی:

توسعه، جوامع محلی، پیراشهری، مدیریت مشارکتی، صفادشت.

E- Mail: asnoormohammadi@tvu.ac.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

نورمحمدی، اسماء. قربانی‌سالخورد، رضوان. علی‌زاده‌وندچالی، فاطمه. ۱۴۰۱. توسعه جوامع محلی پیراشهری با تأکید بر نقش مدیریت مشارکتی (مورد: صفادشت). مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۲(۸): ۱۶۹-۱۹۰.



پیراشهری، از بنیادی‌ترین مفاهیم در جغرافیاست. بخش مهمی از اصالت جغرافیا در میان علوم اجتماعی، از توجه این علم به پیراشهری ناشی می‌شود. اصل پیراشهری و پیرامون‌نگری، همین‌طور عامل اصالت بخش و متمایزکننده جغرافیا از علوم محیطی چون شهرسازی، معماری و طراحی شهری است. بر این اساس، از نگاه جغرافیایی، شهر به محدوده فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود، به بیان دیگر، حیات شهر به ارتباط آن با پیرامون وابسته است و دوام و توسعه شهر تنها ناشی از درون شهر نیست و چه بسا این نیرو و توان را برون از محدوده و مرز خویش کسب می‌کند (فرید، ۱۳۷۵: ۴۴۳). در این راستا، عرصه‌های پیراشهری به عنوان سکونتگاه انسانی، از بدو پیدایش همواره منبع و منشأ توسعه جوامع بشری بوده‌اند و همانند همه پدیده‌های دیگر با رشد خویش، موجب شده که مدیریت شهری در یک مسیر توسعه قانونمند و پایدار حرکت نکند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت صحیح می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه جوامع محلی پیراشهری، مهم‌ترین نقش را ایفا کند (رجبی و حصارنژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۲)، و از سوی دیگر با گسترش رویکرد شهرسازی نوین و طرح دیدگاه‌های توسعه پایدار اجتماعات محلی، توجه دولت‌ها و جوامع به ایجاد بسترهای مشارکتی برای افزایش تأثیرگذاری سطوح مختلف اجتماعی و ابعاد ملموس زندگی شهری، جلب و ارزش‌های مشارکت جمعی، سرمایه اجتماعی و توجه به نقش مشارکتی گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ دوباره مورد تأکید قرار گرفت (Onyx and Bullen, 2000: 106). بنابراین در نیم‌قرن اخیر، الگوواره جدیدی از توسعه به شدت مورد استقبال قرار گرفت، که در آن برنامه‌ریزی محلی و بومی بر برنامه‌ریزی متمرکز غلبه دارد (Pritchett and Woolcock, 2004) به نقل از اسکندری ثانی، ۲۰۱۴، ۳۲)، طوری که عمل و تئوری برنامه‌ریزی روزبه‌روز توجه را به تمرکز بر روی درگیر کردن اجتماعات محلی در فرایند برنامه‌ریزی با تعابیری همچون برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، اندک‌افزا و از پایین به بالا افزایش داده است (زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱).

به تدریج توسعه محلی و جوامع محلی به‌رغم سابقه نسبتاً طولانی در متون و نوشتارهای علمی و اجرایی، در اواخر دهه ۱۹۸۰ در قالب توسعه محلی و به‌عنوان مبحثی اساسی مورد توجه قرار گرفت. آنچه در استراتژی توسعه از پایین مهم است توجه به مردم محلی و چگونگی تضادهای بخش دولتی، محلی و کنترل روابط محلی و ملی و نیروهای بالقوه درون‌زای محلی است. در واقع اساس توسعه محلی، به معنای افزایش مشارکت، افزایش توانمندسازی و اعتماد به نفس مردم و نظارت آن‌ها است. وقتی مردم محلی از توانمندی برخوردار شوند، امکان کار جمعی فراهم می‌شود. این روش زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که از سال‌های ۱۹۶۰ روش‌های ترکیبی مرسوم در مطالعه جوامع روستایی و شهری به باد انتقاد گرفته شد و سؤالاتی مطرح شد از قبیل اینکه: چه گروه‌هایی کمتر به بازی گرفته می‌شوند؟ و به مشارکت چه کسانی بیشتر باید توجه شود و چگونه؟ پاسخ به این سؤالات، از راه مشارکت مردم به‌ویژه نخبگان در فرایند توسعه محلی امکان‌پذیر است (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۳).

در این راستا، با تأکید بر تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی و حضور مردم، انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری، و تأکید بر نقش شهروندان و مشارکت و همکاری آنان در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره و تدوین برنامه‌هایی که با نیازها و شرایط محلی و در سطح اجتماعات مناسب باشد، بحث مدیریت مشارکتی مطرح می‌شود. مدیریت مشارکتی^۱ موجب درک عوامل و شرایطی می‌شود که افزایش روابط و همکاری بین نهادها و بخش‌های

^۱participatory management

مختلف را برای تبادل اطلاعات و دانش را زیاد می کند (Hollmann et al, 2013: 1541-1522). در نهایت بر توسعه اجتماعات محلی در مناطق شهری از جمله عرصه‌های پیراشهری در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی) اثرات دوچندانی می‌گذارد. همچنان که طبق ارزیابی‌های صورت گرفته از سوی فریدمن،^۱ رفع معضلات پیش‌روی شهرها و مناطق پیراشهری آن در کشورهای در حال توسعه‌ای از جمله ایران، از طریق بهبود و ظرفیت‌سازی‌های نهادی مؤثر در ساختارهای مدیریت شهری، و طراحی فرایندهایی از تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی مشارکتی با گروه‌ها و ذینفعان مختلف عرصه‌های پیراشهری، امکان‌پذیر است، در این راستا، ایده نظری در انجام پژوهش حاضر این بوده است، اساساً توسعه جوامع محلی در مناطق پیراشهری در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی) نیازمند مدیریت مشارکتی است. عرصه‌های پیراشهری، فضایی هستند که با رشد سریع اجتماعی و وابستگی متقابل بین مناطق طبیعی، کشاورزی و فرایندهای شهری همراه می‌باشند و به‌عنوان فضایی اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شناخته می‌شود، و به‌عبارت دیگر، عرصه‌های پیراشهری به‌عنوان ناحیه‌ی مکمل قلمداد می‌گردند که در آن، محدودیت‌ها و فرصت‌های زیادی مشاهده می‌شود (Adell, 2003: 31)، در این راستا با گسترش کلانشهرها و پیدایش مناطق کلانشهری در کشور-های توسعه‌یافته و در حال توسعه از جمله ایران، نواحی پیراشهری در معرض بیشترین میزان تحولات و دگرگونی قرار داشته‌اند (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۳) بر این اساس برای ارتقای این عرصه‌ها در کشور ایران، ضروری است که به مدیریت مشارکتی، بیش‌ازپیش توجه شود.

در زمینه توسعه جوامع محلی با تأکید بر مدیریت مشارکتی، مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته است، ولیکن در این قسمت به مطالعاتی که همپوشانی با موضوع پژوهش حاضر دارند، پرداخته شده است:

سواری و اسکندری دامنه (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان، نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشک‌سالی در جنوب استان کرمان، مشخص شد رابطه مثبت و معناداری بین مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی با توانمندسازی جوامع وجود دارد. زارع و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان، بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها، مشخص شد رابطه معناداری بین حس تعلق و مدت اقامت در محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله وجود دارد. کریم‌زاده جعفری و ملک‌نیا (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان، نگرشی بر رویکرد مدیریت مشارکتی جوامع محلی ذینفع جنگل، مشخص شد مشارکت جوامع محلی در گروه تدبیر مناسب برای شناسایی و معرفی فرصت‌های اقتصادی جایگزین برای کسب درآمد و توانمندسازی جوامع محلی می‌باشد...

شهو حسین (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان، نقش سازمان‌های تعاونی در توسعه چشم‌انداز جوامع روستایی ر کشور نیجریه، مشخص شد تعاونی‌ها به‌عنوان یک‌نهاد مشارکتی تأثیر زیادی بر کاهش فقر اقتصادی، نارسایی‌های اجتماعی در جوامع محلی دارند و در توانمندسازی افراد نیز نقش اساسی را ایفا می‌کنند. بادو و باتینو (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان، آیا مدیریت مشارکتی ظرفیت انطباق محلی را ایجاد می‌کند یا خیر؟ مشخص شد با مدیریت مشارکتی و بهره بردن از مشارکت این جوامع، سطح توانمندی آنان بهبود می‌یابد و خطرات کمبود آب و تخریب منابع طبیعی بسیار کم می‌شود، دست یافتند. خدکا (۲۰۱۸)، در پژوهشی در زمینه مدیریت مشارکتی به منظور انطباق جوامع

محلی برای مقابله با تغییرات اقلیمی در کشور نپال، مشخص شد که این نوع برنامه‌ریزی یک نوع فرایند از پایین به بالا است که تغییرات اقلیم را به حداقل می‌رساند و ظرفیت سازگاری و توانمندی خانوارهای روستایی را تضمین می‌کند. توسعه جوامع محلی ترکیبی از ایده جامعه با توسعه است، و متکی بر تعامل بین مردم و اقدام مشترک، نه به صورت فعالیت فردی، بلکه به اعتقاد بعضی از جامعه‌شناسان به صورت فعالیت جمعی می‌باشد (Flora and Flora, 1993: 11). قرار دادن دو واژه باهم، توسعه و جوامع، به معنی اجتماعی است که هدف آن بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است و هدف توسعه جوامع محلی افزایش مشارکت شهروندان است که با ایجاد ظرفیت‌های اجتماعی از راه تمرکز بر ایجاد ظرفیت به نیروی مشارکت جمعی مرتبط است (Williams, 2004: 733-729). در این راستا، توسعه جوامع محلی به ساکنان محلی کمک می‌کند تا نیازهای خود را شناسایی کنند (Gilchrist, 2004: 9). در جای دیگر نیز مطرح شده، توسعه جوامع محلی به عنوان بهترین راه برای ایجاد ظرفیت ساکنان جامعه محلی برای همکاری با یکدیگر و یافتن راه‌حلهایی برای مسائل مربوط به جامعه آنها است (Chaskin, 2004: 44).

در این راستا، یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه جوامع محلی، مدیریت مشارکتی است که در آن، مشارکت پیشران جوامع محلی است (Onyx, 2005: 52). امروزه بسیاری از برنامه‌های توسعه شهری به دلیل کم‌توجهی به خصوصیات و موقعیت ذی‌نفعان در شبکه روابط اجتماعی آنها، با شکست مواجه شده است، لذا رویکرد بالا به پایین ضمن اینکه هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند، از اثربخشی کافی برخوردار نیست، و نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا که سعی دارد برای تدوین و پیاده‌سازی راهبردها از بالا به پایین اقدام کند، جای خود را به نگاه اجتماع‌محور برای جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی داده است (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳۵-۴۴۸). از این‌رو، از دهه ۱۹۸۰، راهبرد اصلی عملی کردن توسعه جوامع محلی تأکید بر عواملی بود که بیشتر جنبه مشارکتی با جوامع محلی دارند (قربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷۸-۳۸۷). مدیریت مشارکتی عبارت از مشارکت تمامی ذی‌نفعان، شامل بهره‌برداران، نهادهای دولتی و غیردولتی، در مدیریت شهری است، و در واقع مدیریت مشارکتی یک نگرش جامع برای جلب مشارکت فردی و گروهی بین مدیران و ذی‌نفعان است که آنان را برمی‌انگیزاند برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری رسانند و در مسئولیت کار شریک شوند. از میان انبوه، روش‌های مدیریت، مدیریت مشارکتی یکی از رویکردهای نسبتاً جدید مدیریت است که با رسمیت شناختن اهمیت نیروهای انسانی، می‌کوشد راهکارهایی را برای حضور فعالانه‌ی همه افراد در موقعیت‌ها بیابد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴۱). در واقع هنگامی که مدیریت مشارکتی پا به گستره‌ی مدیریت شهری می‌گذارد، می‌توان آن را این‌گونه بیان کرد که، مدیریت مشارکتی شهری یعنی، توانمندسازی شهروندان به‌منظور مداخله در فرایند تصمیم‌گیری مدیریت شهری، و بایستگی مدیریت مشارکتی شهری آن‌گاهی برجسته خواهد شد که در بایم از یک سو قدرت و ثروت همیشه در قبضه‌ی معرفت بوده‌اند و امروزه این چیرگی آشکارتر شده است (سروش، ۱۳۷۶: ۳۴۷)؛ و از سوی دیگر، اطلاعات در اختیار افراد است و بروز آن وابسته به همکاری فعال آنهاست (رحمان سرشت و صنوبر، ۱۳۷۸: ۵۶).

در نهایت، با نگاهی به گفته‌ی فریدمن که برنامه‌ریزان می‌توانند قدرت برنامه‌ریزی را برای تغییر تعادل نیروها، به سمت اهداف عدالت اجتماعی و دربرگیری اهداف عدالت اجتماعی در فرایندهای فزاینده‌ی بازسازی منطقه‌ای و شهری، دخالت دهند (Friedman, 2008: 250)، در خواهیم یافت که مدیریت مشارکتی با فراهم کردن زمینه‌ی بهره‌مندی از فواید مشارکت شهروندان در مدیریت، می‌تواند در راستای عدالت اجتماعی و بازسازی فضای

شهری و مناطق پیراشهری بسیار کارآمد نمایان شود. بی تردید، سیاست‌گذاران و مدیریت شهرها، بدون مشارکت مردمی و به کارگیری روش‌های نوین مدیریت، امکان‌پذیر نیست (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۸).

بر همین اساس با گسترش پیراشهری در هاله‌ی کلانشهرهایی چون تهران؛ باید انتظار پیامدهای منفی ناشی از گسترش بی‌برنامه آن را داشت، به بیان دیگر پیشروی تهران در محیط پیراشهری آن تحت شرایط سوداگری کنترل نشده زمین و فقدان الگو و سازوکارهای هدایت نظام‌مند آن؛ نه تنها موجب انحطاط زیست‌محیطی شود، بلکه در غیاب پیش‌نگری و دوراندیشی‌های لازم، گریبانگیر تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی عرصه پیراشهری (صفادشت) می‌شود. بر این مبنا و با توجه به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی، می‌توان چنین بیان کرد که برای ارتقای کیفیت این عرصه پیراشهری، ضروری است که به مدیریت مشارکتی، بیش از پیش توجه شود. چراکه اگر عرصه پیراشهری (صفادشت)، به درستی مدیریت نشود، شهر را نمی‌توان به‌عنوان یک نظام هوشمند، زنده، خیره و آگاهی‌بخش راهبری و سکانداری کرد و از سوی دیگر، شهروندان نیز قادر نخواهند بود به تولید و بازتولید محصولات اقتصادی، اجتماعی و ... پردازند. بنابراین مدیریت شهری عرصه پیراشهری (صفادشت) به‌عنوان یک منطقه پیراشهری بارز در کلانشهر تهران، نیاز به یک مدیریت مشارکتی دارد، بر همین اساس، این نوشتار سعی دارد به بررسی سنجش توسعه جوامع محلی پیراشهری صفادشت با تأکید بر نقش مدیریت مشارکتی پردازد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر روش، در گروه پژوهش کمی قرار دارد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل‌های تلفیقی (سوارا فازی و کوپراس فازی) و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل در بخش یافته‌های تحلیلی: (وضعیت توسعه جوامع محلی و مدیریت مشارکتی در عرصه‌های پیراشهر صفادشت از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. همچنین به منظور نقش مدیریت مشارکتی در توسعه جوامع محلی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد). در نهایت به منظور میزان نقش مدیریت مشارکتی در هر یک از مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) از مدل تلفیقی سوآرا-کوپراس فازی استفاده شد.

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل دو بخش می‌باشد، بخش اول ساکنین محلی عرصه پیراشهری صفادشت می‌باشد که بر اساس سرشماری سال (۱۳۹۵)، تعداد خانوار این منطقه (۳۲۴۷۶) می‌باشد که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و روش کوکران، تعداد (۳۷۹ خانوار) به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. در بخش دوم نیز جامعه آماری شامل افراد متخصص و صاحب‌نظر در این حوزه می‌باشد، با توجه به اینکه جامعه نمونه در بیشتر مدل‌های فازی بین ۲۰-۳۰ نفر می‌باشد، در این قسمت از پژوهش نیز ۲۰ نفر (متخصص) به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. همچنین قابل ذکر است، ابزار پژوهش (پرسشنامه) می‌باشد و با مرور منابع مختلف شاخص‌های پژوهش تدوین و در قالب پرسشنامه منعکس و در میان جامعه نمونه توزیع شد. (جدول ۱ و ۲). روایی پرسشنامه نیز بر اساس نظرات متخصصان تایید شد، و پایایی آن‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS (آزمون آلفای کرونباخ) با توزیع ۳۰ عدد پرسشنامه در میان متخصصان محاسبه شد، مقدار ۰/۸۷ برای پرسشنامه مدیریت مشارکتی و مقدار ۰/۸۵ برای پرسشنامه توسعه جوامع محلی به دست آمد، مقدار پایایی به دست آمده گویای پایایی قابل قبول برای هر یک از پرسشنامه‌ها می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌های مدیریت مشارکتی

شاخص	مؤلفه
دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر سرنوشت آموزش شهروندی در راستای همگونی تصمیمات در برنامه‌ریزی جهت توسعه منطقه پیراشهری	مدیریت مشارکتی
تقویت سازمان‌های غیردولتی و مشارکت بخش خصوصی و مردمی	
تحقق برنامه‌ریزی از پایین به بالا	
تقسیم وظایف برنامه‌ریزی میان سطوح مختلف مدیریت و تصمیم‌گیری	
شرکت دادن مردم در نظارت بر سرنوشت خویش	
تمرکززدایی مدیریت شهری	
برقراری ارتباط بین مردم و طرح‌های شهری	
ارتقای حس تعلق به جامعه، مسئولیت و حقوق ساکنین	

منبع: رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶، سوری و اسکندری دامنه، ۱۳۹۸، رحمانی و رحمانی، ۱۳۹۵

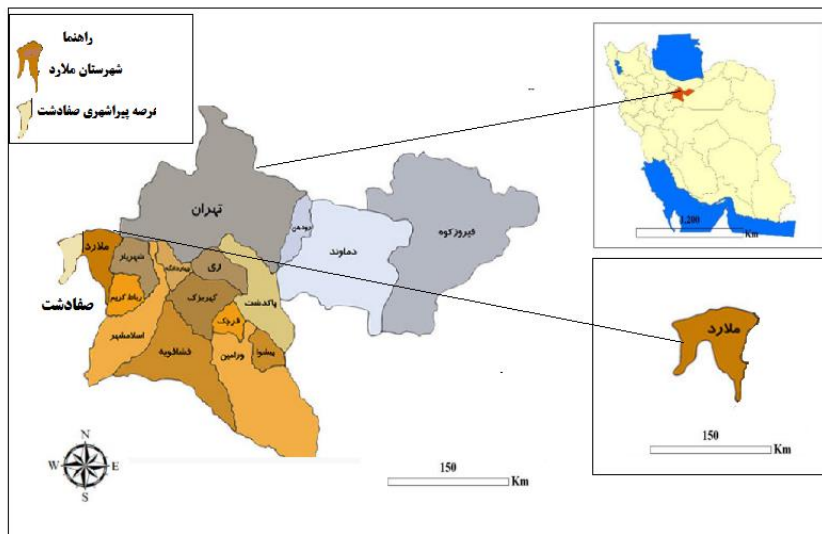
جدول ۲. ابعاد-مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه جوامع محلی

معیارها (شاخص ترکیبی)	مؤلفه‌ها	ابعاد	متغیر
حقوق زنان	رعایت حقوق انسانی	توسعه اجتماعی-فرهنگی جوامع محلی	توسعه اجتماعی
حقوق کار			
توسعه خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های محلی	بهبود شرایط زندگی (رعایت زندگی شرافتمندانه)		
کیفیت اشتغال و درآمد			
بهداشتی و سلامتی			
احساس رضایت جامعه محلی			
امنیت اجتماعی	مشارکت و کنترل محلی	توسعه نهادی و سیاسی جوامع محلی	
مشارکت اجتماعی			
نهادهای محلی			
کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	توسعه ظرفیت نهادی		
ساختار نهادی			
درآمد و اشتغال	عدالت و رفاه اقتصادی	توسعه اقتصادی جوامع محلی	توسعه اقتصادی
توزیع درآمد و عایدی			
توزیع فرصت‌های شغلی			
کاهش فقر و فقرزدایی			
توزیع قدرت			
تقویت اقتصاد محلی و نشاط طولانی مدت	ثبات اقتصادی		
کاهش آسیب‌پذیری			
تنوع‌بخشی			
استفاده بهینه از زمین	منابع سرزمین	پایداری منابع اکوسیستم (آب، خاک، هوا و ...)	توسعه زیست‌محیطی
منابع آب (مصرف و کیفیت)			
کیفیت هوا و منظر			
پوشش گیاهی و مراتع			
حفظ تنوع محیطی (گیاهی و جانوری)	حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهان		
اکوسیستم‌های حساس			

فشار محیطی	ظرفیت تحمل	تأثیرات عمومی محیطی
فشار اجتماعی		
مخاطرات طبیعی	کاهش آسیب‌پذیری محیطی	مدیریت و سیاست‌های محیطی
حفاظت از میراث طبیعی و جاذبه‌ها		
مدیریت	برنامه‌ریزی و مدیریت	مدیریت و سیاست‌های محیطی
برنامه‌ریزی		
تولید و مدیریت مواد زائد	بهداشت محیط	مدیریت و سیاست‌های محیطی
مدیریت سیستم فاضلاب		
تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی	تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی	

منابع: رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹، حیدری ساریان، ۱۳۹۶، فرشاد و همکاران، ۱۳۹۹.

صفادشت یکی از شهرهای استان تهران در ایران است. این شهر در بخش صفادشت شهرستان ملارد قرار دارد. صفادشت از ادغام روستاهای: یوسف‌آباد قوام، گله کهریز، شهرآباد، حصارطهماسب، و عبادیه تشکیل شده است. همچنین از غرب به کرج (شهرهای محمدشهر و ماهدشت)، از شرق به بخش مرکزی ملارد و از جنوب به زرنديه محدود شده است. این بخش جزء شهرستان ملارد است، و شهرستان ملارد با وسعتی معادل ۹۰۰ کیلومتر مربع که ۷۵۰ کیلومتر مربع از آن مربوط به بخش صفادشت است. بخش صفادشت در مسیر اصلی محور چیتگر (جاده تهران-اشتهارد)، قرار دارد و از ۳ دهستان اخترآباد و یوسف‌آباد قوام، شهر صفادشت، ۳ دهیاری، ۵۲ روستا، مزرعه و مکان تشکیل شده است و بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر صفادشت، ۳۲۴۷۶ نفر است.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

مطابق اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌های توزیع شده، سرپرستان خانوار با بیش از ۶۵ سال، بیشترین درصد، و افراد ۲۵-۳۵ سال، کمترین تعداد پرسش‌شونده را شامل شدند. همچنین ۸۰ درصد پرسش‌شوندگان مرد و ۲۰ درصد نیز زن بودند (البته لازم به یادآوری است که پرسشنامه‌های تحقیق حاضر، از سرپرستان خانوارها تکمیل شده است، از این رو این عدم تناسب جنسیت پاسخگویان طبیعی است). قابل ذکر است که ۸۲ درصد افراد پرسش‌شونده تحصیلات

زیردیپلم دارند و تنها ۱۴ درصد افراد دارای تحصیلات آکادمیک هستند. همچنین مردان ۸۰ درصد سرپرستان خانوار و زنان نیز ۲۰ درصد را شامل شدند، و حدود ۶۵ درصد افراد اقامت خود را کمتر از ۳۰ سال ذکر نمودند، و ۳۵ درصد افراد نیز بیش از ۳۰ سال در منطقه زندگی کرده‌اند. در نهایت نتایج نشان داد که بیش از ۵۰ درصد از افراد پرسش شونده، تمایل به مشارکت در اجرای طرح‌های شهری و ... را دارند و حدود ۴۵ درصد از افراد پاسخگو نیز در طرح‌های شهری، و ... مشارکت داشته‌اند.

یافته‌های تحلیلی

قبل از هرگونه تحلیل، لازم دانسته شد به بررسی نرمال بودن ابعاد توسعه جوامع محلی پرداخته شود. مطابق جدول (۳)، نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرونوف حاکی از این واقعیت بود که ابعاد توسعه جوامع محلی (اقتصادی و اجتماعی، زیست محیطی) از توزیع نرمال برخوردار بود. نتایج نشان داد، مقدار سطح معناداری در همه ابعاد بزرگ‌تر از مقدار خطا (۰/۰۵) بود؛ و در سطح معناداری ۹۵ درصد توزیع این نمونه نرمال بود. بنابراین می‌توان از تحلیل پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرونوف

ابعاد توسعه جوامع محلی	سطح معناداری	میزان خطا	آماره کولموگروف اسمیرونوف	نتیجه‌گیری
اقتصادی	۰/۲۹۸	۰/۰۵	۱/۱۹۸	نرمال
اجتماعی	۰/۲۸۸	۰/۰۵	۱/۱۸۷	نرمال
زیست محیطی	۰/۲۷۶	۰/۰۵	۱/۱۷۶	نرمال

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

در ابتدا، قبل از بررسی (ارتباط بین مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی) به بررسی وضعیت مدیریت مشارکتی در عرصه پیراشهری صفادشت پرداخته شود. در این راستا، به منظور بررسی وضعیت مدیریت مشارکتی از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج به شرح جدول (۴) می‌باشد.

جدول ۴. وضعیت مدیریت مشارکتی در عرصه پیراشهری صفادشت

شاخص	میانگین	T	معناداری (۲ دامنه)	فاصل اطمینان تفاوت ۰/۹۵	
				پایین	بالا
دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر سرنوشت	۲/۴۵	۲۴/۶۷۴	۰/۰۰۰	۲/۵۶	۲/۲۱
آموزش شهروندی در راستای همگونی تصمیمات در برنامه‌ریزی جهت توسعه منطقه پیراشهری	۲/۳۴	۲۴/۷۲۹	۰/۰۰۰	۲/۴۵	۲/۲۱
تقویت سازمان‌های غیردولتی و مشارکت بخش خصوصی و مردمی	۲/۲۴	۲۴/۴۱۰	۰/۰۰۰	۲/۳۶	۲/۱۳
تحقق برنامه‌ریزی از پایین به بالا	۲/۱۱	۲۴/۹۵۰	۰/۰۰۰	۲/۲۵	۲/۰۱
تقسیم وظایف برنامه‌ریزی میان سطوح مختلف مدیریت و تصمیم‌گیری	۲/۳۴	۲۴/۹۲۷	۰/۰۰۰	۲/۴۵	۲/۱۱
شرکت دادن مردم در نظارت بر سرنوشت خویش	۲/۱۶	۲۴/۶۶۸	۰/۰۰۰	۲/۳۴	۲/۰۴
تمرکززدایی مدیریت شهری	۲/۲۸	۲۴/۰۹۲	۰/۰۰۰	۲/۳۴	۲/۱۱
برقراری ارتباط بین مردم و طرح‌های شهری	۲/۴۵	۲۴/۴۲۱	۰/۰۰۰	۲/۵۶	۲/۲۱
ارتقای حس تعلق به جامعه، مسئولیت و حقوق ساکنین	۲/۳۱	۲۴/۳۲۳	۰/۰۰۰	۲/۴۶	۲/۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

مطابق جدول (۴)، وضعیت مدیریت مشارکتی در عرصه پیراشهری صفادشت با مقدار میانگین‌های (کمتر از حد متوسط عدد ۳) به دست آمده در شاخص‌های مطرح شده، گویای وضعیت نامطلوب مدیریت مشارکت در این منطقه می‌باشد. در این راستا، مطابق جدول (۵)، به وضعیت توسعه جوامع محلی در عرصه پیراشهری صفادشت پرداخته شد.

جدول ۵. وضعیت توسعه جوامع محلی در عرصه پیراشهری صفادشت

فاصل اطمینان تفاوت ۰/۹۵		معناداری (۲) دامنه	T	میانگین	شاخص
پایین	بالا				
۲/۳۴	۲/۵۸	۰/۰۰۰	۲۴/۳۳۴	۲/۴۶	رعایت حقوق انسانی
۲/۴۳	۲/۶۱	۰/۰۰۰	۲۴/۳۴۵	۲/۵۶	بهبود شرایط زندگی
۲/۴۳	۲/۶۸	۰/۰۰۰	۲۴/۲۴۱	۲/۵۶	مشارکت و کنترل محلی
۲/۵۴	۲/۷۲	۰/۰۰۰	۲۴/۴۵۶	۲/۶۷	توسعه ظرفیت نهادی
۲/۳۲	۲/۵۶	۰/۰۰۰	۲۴/۲۳۱	۲/۴۴	عدالت و رفاه اقتصادی
۲/۳۳	۲/۵۷	۰/۰۰۰	۲۴/۲۲۵	۲/۴۱	ثبات اقتصادی
۲/۱۴	۲/۳۶	۰/۰۰۰	۲۴/۳۰۰	۲/۲۷	منابع سرزمین
۲/۰۳	۲/۲۶	۰/۰۰۰	۲۴/۲۱۳	۲/۱۴	حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهی
۲/۱۱	۲/۳۴	۰/۰۰۰	۲۴/۲۷۸	۲/۲۲	ظرفیت تحمل
۲/۴۳	۲/۶۷	۰/۰۰۰	۲۴/۲۳۴	۲/۵۱	کاهش آسیب‌پذیری محیطی
۲/۱۳	۲/۴۵	۰/۰۰۰	۲۴/۳۱۳	۲/۳۱	برنامه‌ریزی و مدیریت
۲/۰۳	۲/۲۷	۰/۰۰۰	۲۴/۲۲۳	۲/۱۹	بهداشت محیط
۲/۳۳	۲/۵۶	۰/۰۰۰	۲۴/۲۲۶	۲/۴۲	تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی

مطابق جدول (۵)، وضعیت توسعه جوامع محلی در شاخص‌های (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی)، با مقدار میانگین به دست آمده در هر یک (کمتر از حد متوسط عدد ۳)، نامطلوب ارزیابی شد. در این راستا، با توجه به وضعیت نامطلوب مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی در عرصه پیراشهری صفادشت، به منظور نقش مدیریت مشارکتی در توسعه جوامع محلی در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد، نتایج به تفکیک ابعاد به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۶. میزان نقش مدیریت مشارکتی در توسعه جوامع محلی در بعد اجتماعی

متغیر مستقل	شاخص (متغیر وابسته)	میزان همبستگی	سطح معناداری	ارتباط معنی‌دار
مدیریت مشارکتی	حقوق زنان	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰	مثبت
	حقوق کار	۰/۵۵۱	۰/۰۰۰	مثبت
	توسعه خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های محلی	۰/۵۳۳	۰/۰۰۰	مثبت
	کیفیت اشتغال و درآمد	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰	مثبت
	بهداشتی و سلامتی	۰/۵۰۰	۰/۰۰۰	مثبت
	احساس رضایت جامعه محلی	۰/۴۹۸	۰/۰۰۰	مثبت
	امنیت اجتماعی	۰/۴۸۸	۰/۰۰۰	مثبت
	مشارکت اجتماعی	۰/۵۰۳	۰/۰۰۰	مثبت
	نهادهای محلی	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت
	کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	۰/۵۲۲	۰/۰۰۰	مثبت
	ساختار نهادی	۰/۵۱۰	۰/۰۰۰	مثبت

مطابق جدول (۶)، بین مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی در بعد اجتماعی با ضریب‌های همبستگی ۰/۵۶۴ برای شاخص حقوق زنان، ۰/۵۵۱ برای شاخص حقوق کار، ۰/۵۳۳/ه برای شاخص توسعه خدمات اجتماعی و زیرساخت-های محلی، ۰/۵۲۱ برای شاخص کیفیت اشتغال و درآمد، ۰/۵۰۰ برای شاخص بهداشتی و سلامتی، ۰/۴۹۸ برای شاخص احساس رضایت جامعه محلی، ۰/۴۸۸ برای شاخص امنیت اجتماعی، ۰/۵۰۳ برای شاخص مشارکت اجتماعی، ۰/۵۱۱ برای شاخص نهادهای محلی، ۰/۵۲۲ برای شاخص کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، ۰/۵۱۰ برای شاخص ساختار نهادی، ارتباط معنی‌دار و مثبتی مشاهده شد.

جدول ۷. میزان نقش مدیریت مشارکتی در توسعه جوامع محلی در بعد اقتصادی

شاخص اقتصادی (متغیر وابسته)	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری	ارتباط معنی‌دار
درآمد و اشتغال	مدیریت مشارکتی	۰/۵۲۲	۰/۰۰۰	مثبت
توزیع درآمد و عایدی		۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت
توزیع فرصت‌های شغلی		۰/۵۲۲	۰/۰۰۰	مثبت
کاهش فقر و فقرزدایی		۰/۵۰۹	۰/۰۰۰	مثبت
توزیع قدرت		۰/۴۹۸	۰/۰۰۰	مثبت
تقویت اقتصاد محلی و نشاط طولانی‌مدت		۰/۵۰۰	۰/۰۰۰	مثبت
کاهش آسیب‌پذیری		۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت
تنوع‌بخشی		۰/۵۱۷	۰/۰۰۰	مثبت

مطابق جدول (۷)، شاخص‌های درآمد و اشتغال با مقدار همبستگی ۰/۵۲۲، توزیع درآمد و عایدی با مقدار ۰/۵۱۱، توزیع فرصت‌های شغلی با مقدار ۰/۵۲۲، کاهش فقر و فقرزدایی با مقدار ۰/۵۰۹، توزیع قدرت با مقدار ۰/۴۹۸، تقویت اقتصاد محلی و نشاط طولانی‌مدت با مقدار ۰/۵۰۰، کاهش آسیب‌پذیری با مقدار ۰/۵۱۱، تنوع‌بخشی با مقدار ۰/۵۱۷، در سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵، گویای ارتباط معنادار و مثبت بین مدیریت مشارکتی و توسعه اجتماعات محلی صفادشت در بخش اقتصادی می‌باشد.

جدول ۸. میزان نقش مدیریت مشارکتی در توسعه جوامع محلی در بعد زیست‌محیطی

شاخص زیست‌محیطی (متغیر وابسته)	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری	ارتباط معنی‌دار
استفاده بهینه از زمین	مدیریت مشارکتی	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت
منابع آب (مصرف و کیفیت)		۰/۴۷۶	۰/۰۰۰	مثبت
کیفیت هوا و منظر		۰/۴۴۵	۰/۰۰۰	مثبت
پوشش گیاهی و مراتع		۰/۴۷۸	۰/۰۰۰	مثبت
حفظ تنوع محیطی (گیاهی و جانوری)		۰/۴۸۸	۰/۰۰۰	مثبت
اکوسیستم‌های حساس		۰/۴۶۶	۰/۰۰۰	مثبت
فشار محیطی		۰/۴۹۱	۰/۰۰۰	مثبت
فشار اجتماعی		۰/۴۷۶	۰/۰۰۰	مثبت
مخاطرات طبیعی		۰/۴۸۰	۰/۰۰۰	مثبت
حفاظت از میراث طبیعی و جاذبه‌ها		۰/۵۰۰	۰/۰۰۰	مثبت
مدیریت		۰/۵۰۳	۰/۰۰۰	مثبت
برنامه‌ریزی		۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت

تولید و مدیریت مواد زائد	۰/۴۹۳	۰/۰۰۰	مثبت
مدیریت سیستم فاضلاب	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰	مثبت
تقویت آگاهی‌های زیست محیطی	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	مثبت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

مطابق جدول (۸)، بین شاخص‌های (استفاده بهینه از زمین با مقدار همبستگی ۰/۵۱۱، منابع آب با مقدار ۰/۴۷۶، کیفیت هوا و منظر با مقدار ۰/۴۴۵، پوشش گیاهی و مرتع با مقدار ۰/۴۷۸، حفظ تنوع محیطی با مقدار همبستگی ۰/۴۸۸، اکوسیستم‌های حساس با مقدار ۰/۴۶۶، فشار محیطی با مقدار همبستگی ۰/۴۹۱، فشار اجتماعی با مقدار ۰/۴۷۶، مخاطرات طبیعی با مقدار ۰/۴۸۰، حفاظت از میراث طبیعی و جاذبه‌ها با مقدار ۰/۵۰۰، مدیریت با مقدار ۰/۵۰۳، برنامه-ریزی با مقدار ۰/۵۱۱، تولید و مدیریت مواد زائد با مقدار ۰/۴۹۳، مدیریت سیستم فاضلاب با مقدار ۰/۵۰۵، تقویت آگاهی‌های زیست محیطی با مقدار همبستگی ۰/۵۱۱)، و مدیریت مشارکتی ارتباط معنی‌دار و مثبتی مشاهده شد.

با توجه به نتایج به دست آمده (ارتباط معنادار و مثبت بین مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی)، به منظور رتبه-بندی هر یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی)، و به عبارتی (به منظور میزان نقش مدیریت مشارکتی در هر یک از مؤلفه‌ها)، از مدل تلفیقی سوآرا-کوپراس فازی استفاده شد. نتایج به تفکیک ابعاد به شرح ذیل می‌باشد. در ابتدا قبل از هر گونه تحلیل، لازم دانسته شد جدولی به منظور علامت اختصاری هر یک از مؤلفه‌ها مطرح شود. جدول (۹).

جدول ۹. علامت اختصاری هر یک از مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	علامت اختصاری	معیارها (شاخص ترکیبی)	علامت اختصاری
رعایت حقوق انسانی	X1	حقوق زنان	A1
		حقوق کار	A2
بهبود شرایط زندگی (رعایت زندگی شرافتمندانه)	X2	توسعه خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های محلی	A3
		کیفیت اشتغال و درآمد	A4
		بهداشتی و سلامتی	A5
		احساس رضایت جامعه محلی	A6
		امنیت اجتماعی	A7
		مشارکت و کنترل محلی	A8
توسعه ظرفیت نهادی	X4	مشارکت اجتماعی	A9
		کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	A10
		ساختار نهادی	A11
عدالت و رفاه اقتصادی	X1	درآمد و اشتغال	A1
		توزیع درآمد و عایدی	A2
		توزیع فرصت‌های شغلی	A3
		کاهش فقر و فقرزدایی	A4
		توزیع قدرت	A5
		تقویت اقتصاد محلی و نشاط طولانی مدت	A6
ثبات اقتصادی	X2	کاهش آسیب‌پذیری	A7

توسعه جوامع محلی پیراشهری با تاکید... (نورمحمدی و همکاران)

A8	تنوع بخشی		
A1	استفاده بهینه از زمین	X1	منابع سرزمین
A2	منابع آب (مصرف و کیفیت)		
A3	کیفیت هوا و منظر		
A4	پوشش گیاهی و مراتع		
A5	حفظ تنوع محیطی (گیاهی و جانوری)	X2	حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهان
A6	اکوسیستم‌های حساس		
A7	فشار محیطی	X3	ظرفیت تحمل
A8	فشار اجتماعی		
A9	مخاطرات طبیعی	X4	کاهش آسیب‌پذیری محیطی
A10	حفاظت از میراث طبیعی و جاذبه‌ها		
A11	مدیریت	X5	برنامه‌ریزی و مدیریت
A12	برنامه‌ریزی		
A13	تولید و مدیریت مواد زائد	X6	بهداشت محیط
A14	مدیریت سیستم فاضلاب		
A15	تقویت آگاهی‌های زیست محیطی	X7	تقویت آگاهی‌های زیست محیطی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

جدول ۱۰. وزن فازی شاخص‌های اجتماعی بر اساس روش سوآرای فازی

شاخص	SmL	KmL	WmL
A1		(۱/۰۰، ۱/۰۰، ۱/۰۰)	(۶/۸۱، ۶/۸۱، ۶/۸۱)
A2	(۰/۱۹، ۰/۵۲، ۰/۹۹)	(۱/۱۹، ۱/۵۲، ۱/۹۹)	(۳/۴۲، ۴/۴۹، ۵/۶۹)
A3	(۰/۲۰، ۰/۵۱، ۱/۰۰)	(۱/۲۰، ۱/۵۱، ۱/۹۹)	(۲/۷۱، ۲/۹۶، ۴/۷۳)
A4	(۰/۲۳، ۰/۵۷، ۱/۰۳)	(۱/۲۳، ۱/۵۷، ۲/۰۳)	(۰/۴۳، ۱/۲۷، ۳/۲۳)
A5	(۰/۱۹، ۰/۴۹، ۰/۹۵)	(۱/۱۸، ۱/۴۹، ۱/۹۵)	(۰/۸۸، ۱/۹۹، ۳/۹۹)
A6	(۰/۱۷، ۰/۴۷، ۰/۹۲)	(۱/۱۷، ۱/۴۷، ۱/۹۲)	(۰/۷۰، ۰/۹۱، ۱/۱۵)
A7	(۰/۲۱، ۰/۵۱، ۰/۹۶)	(۱/۲۱، ۱/۵۱، ۱/۹۶)	(۰/۳۶، ۰/۶۱، ۰/۹۵)
A8	(۰/۱۹، ۰/۴۷، ۰/۹۲)	(۱/۱۹، ۱/۴۷، ۱/۹۲)	(۰/۱۹، ۰/۴۱، ۰/۸۰)
A9	(۰/۱۶، ۰/۴۳، ۰/۸۹)	(۱/۱۶، ۱/۴۳، ۱/۸۹)	(۰/۰۵، ۰/۲۰، ۰/۵۹)
A10	(۰/۲۱، ۰/۵۲، ۰/۹۸)	(۱/۲۱، ۱/۵۲، ۱/۹۸)	(۳/۴۱، ۳/۴۱، ۳/۴۱)
A11	(۰/۲۰، ۰/۵۱، ۱/۰۲)	(۱/۲، ۱/۵۱، ۲/۰۲)	(۰/۸۵، ۱/۴۸، ۲/۳۶)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

جدول ۱۱. وزن فازی شاخص‌های اقتصادی بر اساس روش سوآرای فازی

شاخص	S _{mL}	K _{mL}	W _{mL}
A1	(۰/۲۴، ۰/۱۵۹/۰۷)	(۱/۲۴، ۱/۵۹، ۲/۰۷)	(۱/۷۴، ۳/۰۲، ۴/۸۱)
A2		(۱/۰۰، ۱/۰۰، ۱/۰۰)	(۲/۹۲، ۲/۹۲، ۲/۹۲)
A3	(۰/۱۸، ۰/۵۰، ۰/۹۸)	(۱/۱۸، ۱/۵۰، ۱/۹۸)	(۱/۴۸، ۱/۹۵، ۲/۴۷)
A4	(۰/۱۵، ۰/۴۳، ۰/۹۰)	(۱/۱۵، ۱/۴۳، ۱/۹۰)	(۱/۴۸، ۱/۹۵، ۲/۴۷)
A5		(۱/۰۰، ۱/۰۰، ۱/۰۰)	(۱/۹۱، ۱/۹۱، ۱/۹۱)
A6	(۰/۱۸، ۰/۴۸، ۰/۹۴)	(۱/۱۸، ۱/۴۸، ۱/۹۴)	(۰/۹۸، ۱/۲۹، ۱/۶۲)
A7	(۰/۱۵، ۰/۴۲، ۰/۸۸)	(۱/۱۵، ۱/۴۲، ۱/۸۸)	(۰/۵۲، ۰/۹۱، ۱/۴۱)
A8	(۰/۱۹، ۰/۴۸، ۰/۹۳)	(۱/۱۹، ۱/۴۸، ۱/۹۳)	(۰/۲۷، ۰/۶۲، ۱/۱۹)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

جدول ۱۲. وزن فازی شاخص‌های زیست‌محیطی بر اساس روش سوآرای فازی

شاخص	S _{mL}	K _{mL}	W _{mL}
A1	(۰/۲۱، ۰/۵۴، ۱/۰۳)	(۱/۲۱، ۱/۵۴، ۲/۰۳)	(۰/۴۲، ۰/۹۶، ۱/۹۵)
A2	(۰/۱۴، ۰/۴۰، ۰/۸۸)	(۱/۱۴، ۱/۴۰، ۱/۸۸)	(۰/۲۲، ۰/۶۹، ۱/۷۱)
A3	(۰/۱۶، ۰/۴۶، ۰/۹۲)	(۱/۱۶، ۱/۴۶، ۱/۹۲)	(۰/۱۲، ۰/۴۷، ۱/۴۸)
A4	(۰/۱۸، ۰/۴۷، ۰/۹۴)	(۱/۱۸، ۱/۴۷، ۱/۹۴)	(۰/۰۶، ۰/۳۲، ۱/۲۵)
A5	(۰/۱۸، ۰/۴۹، ۰/۹۸)	(۱/۱۸، ۱/۴۹، ۱/۹۸)	(۰/۰۳، ۰/۲۱، ۱/۰۶)
A6		(۱/۰۰، ۱/۰۰، ۱/۰۰)	(۰/۰۳، ۱/۴۵، ۱/۲۱)
A7	(۰/۲۲، ۰/۵۷، ۱/۰۴)	(۱/۲۲، ۱/۵۷، ۲/۰۴)	(۵/۰۱، ۶/۵۱، ۸/۳۷)
A8	(۰/۲۰، ۰/۵۲، ۰/۹۸)	(۱/۲۰، ۱/۵۲، ۱/۹۸)	(۲/۵۲، ۴/۳۰، ۶/۹۹)
A9	(۰/۲۱، ۰/۵۳، ۱/۰۱)	(۱/۲۱، ۱/۵۳، ۲/۰۱)	(۱/۲۵، ۲/۸۱، ۵/۷۸)
A10	(۰/۲۰، ۰/۵۱، ۰/۹۸)	(۱/۲۰، ۱/۵۱، ۱/۹۸)	(۱/۲۵، ۲/۸۱، ۵/۷۸)
A11	(۰/۱۸، ۰/۴۸، ۰/۹۴)	(۱/۱۸، ۱/۴۸، ۱/۹۴)	(۰/۹۸، ۱/۲۹، ۱/۶۲)
A12	(۰/۱۵، ۰/۴۲، ۰/۸۸)	(۱/۱۵، ۱/۴۲، ۱/۸۸)	(۰/۵۲، ۰/۹۱، ۱/۴۱)
A13	(۰/۲۳، ۰/۵۷، ۱/۰۳)	(۱/۲۳، ۱/۵۷، ۲/۰۳)	(۰/۴۳، ۱/۲۷، ۳/۲۳)
A14	(۰/۱۹، ۰/۴۹، ۰/۹۵)	(۱/۱۹، ۱/۴۹، ۱/۹۵)	(۰/۸۸، ۱/۹۹، ۳/۹۹)
A15	(۰/۱۷، ۰/۴۷، ۰/۹۲)	(۱/۱۷، ۱/۴۷، ۱/۹۲)	(۰/۷۰، ۰/۹۱، ۱/۱۵)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

در ادامه نیز از آنجاکه در این قسمت از پژوهش به دنبال رتبه‌بندی مؤلفه‌ها هستیم، پس بر اساس شاخص‌های شناسایی شده در هر یک از ابعاد مورد مطالعه، پرسشنامه‌ای تهیه و بین جامعه نمونه (متخصصان) توزیع گردید، با تبدیل نظرات متخصصان به عدد Z، داده‌های لازم برای تشکیل ماتریس ارزیابی انفرادی فازی فراهم شد، که در این پژوهش به دلیل تعداد زیاد جداول در این مرحله، از آوردن جداول صرفه‌نظر شد، و تنها به جدول نهایی (رتبه‌بندی مؤلفه‌ها بر اساس روش کوپراس فازی) اکتفا شد.

جهت تحلیل نتایج جداول (۱۳، ۱۴، ۱۵)، یک شاخص کیفی پیشنهاد شده است که به کمک آن می‌توان سطح مدیریت مشارکتی را در توسعه جوامع محلی در ابعاد مورد مطالعه به صورت کیفی تعیین نمود. بر این اساس اگر بین (۰/۳۰ - ۰/۰۰) باشد، مؤلفه مربوطه در وضعیت قرمز و سطح کیفیت ضعیف قرار دارد. اگر بین (۰/۳۰ - ۰/۴۰) باشد،

مؤلفه مربوطه در وضعیت قرمز و سطح کیفیت نسبتاً ضعیف می‌باشد. اگر بین (۰/۶۰-۰/۴۰)، باشد، آنگاه مؤلفه در وضعیت زرد و سطح کیفیت متوسط، و اگر بین (۰/۶۰ تا ۰/۷۰) باشد، آنگاه مؤلفه در وضعیت زرد و سطح کیفیت نسبتاً خوب قرار دارد. اگر بین (۰/۷۰-۰/۸۰)، باشد، آنگاه وضعیت مؤلفه سبز و سطح کیفیت آن خوب می‌باشد، و اگر بین (۰/۸۰-۰/۹۰)، باشد، مؤلفه مربوطه در وضعیت سبز و سطح کیفیت خوب، و در نهایت اگر بین (۰/۹۰-۰/۱۰۰)، باشد، مؤلفه در وضعیت سبز و سطح کیفیت آن ممتاز خواهد بود.

جدول ۱۳. امتیازات کسب‌شده در مؤلفه‌های اجتماعی

مؤلفه	امتیاز کسب‌شده (Q _L)	بیشینه امتیاز (Q ^{MAX})	کمینه امتیاز (Q ^{MIN})	فاصله بین Q ^{MAX} و Q ^{MIN}	امتیاز از ۱۰۰
X1 (رعایت حقوق انسانی)	۱۳/۹۰۰	۱۴/۶۰۳	۱۲/۲۴۴	۲/۳۴۲	۷۰/۰۹
X2 (بهبود شرایط زندگی)	۱۴/۹۸۳	۱۴/۰۵۱	۱۳/۱۳۴	۰/۹۱۷	۷۰/۱۳
X3 (مشارکت و کنترل محلی)	۱۵/۵۶۴	۱۶/۶۷۸	۱۴/۴۴۳	۲/۲۳۵	۷۴/۲۱
X4 (توسعه ظرفیت نهادی)	۱۳/۲۳۱	۱۴/۳۳۴	۱۲/۱۳۴	۲/۰۰۲	۷۰/۱۶
امتیاز نهایی	۵۷/۶۷۸	۵۹/۶۶۶	۵۱/۹۵۱	۷/۷۵۱	۷۲/۳۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱

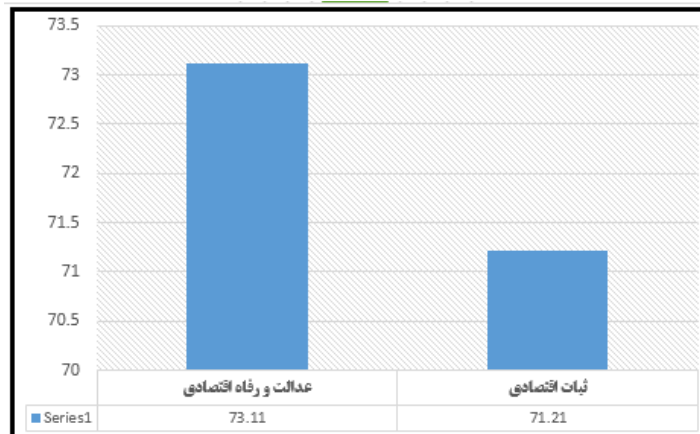


شکل ۲. تأثیرپذیری هر یک از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی از مدیریت مشارکتی

جدول ۱۴. امتیازات کسب‌شده در مؤلفه‌های اقتصادی

مؤلفه	امتیاز کسب‌شده (Q _L)	بیشینه امتیاز (Q ^{MAX})	کمینه امتیاز (Q ^{MIN})	فاصله بین Q ^{MAX} و Q ^{MIN}	امتیاز از ۱۰۰
X1 (عدالت و رفاه اقتصادی)	۱۵/۳۴۱	۱۶/۴۴۵	۱۴/۲۱۳	۲/۲۳۲	۷۳/۱۱
X2 (ثبات اقتصادی)	۱۴/۵۱۲	۱۵/۵۵۴	۱۴/۳۲۱	۱/۲۳۳	۷۱/۲۱
امتیاز نهایی	۲۸/۸۵۳	۳۱/۹۹۹	۲۸/۵۳۴	۳/۴۶۵	۷۲/۴۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱



شکل ۳. تأثیرپذیری هر یک از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی از مدیریت مشارکتی

جدول ۱۵. امتیازات کسب‌شده در مؤلفه‌های زیست‌محیطی

مؤلفه	امتیاز کسب‌شده (QL)	پیشینه امتیاز (Q ^{MAX})	کمینه امتیاز (Q ^{MIN})	فاصله بین Q ^{MAX} و Q ^{MIN}	امتیاز از ۱۰۰
X1 (منابع سرزمینی)	۱۲/۳۴۵	۱۳/۵۶۴	۱۱/۴۵۱	۲/۱۱۳	۷۰/۰۵
X2 (حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهی)	۱۳/۱۱۲	۱۴/۱۴۵	۱۲/۲۳۱	۱/۹۱۴	۷۰/۲۱
X3 (کاهش آسیب‌پذیری محیطی)	۱۳/۴۳۲	۱۴/۱۴۱	۱۲/۳۳۴	۱/۹۰۷	۷۰/۴۶
X4 (برنامه‌ریزی و مدیریت)	۱۴/۱۱۳	۱۵/۳۴۱	۱۳/۲۲۲	۲/۱۱۹	۷۱/۰۰
X5 (بهداشت محیط)	۱۳/۲۲۳	۱۴/۴۵۳	۱۲/۳۶۷	۲/۰۸۶	۷۰/۶۷
X6 (تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی)	۱۴/۴۵۳	۱۵/۵۶۷	۱۳/۲۳۱	۲/۳۳۶	۷۲/۴۴
امتیاز نهایی	۸۰/۶۷۸	۸۷/۲۰۴	۶۳/۷۳۶	۱۲/۴۷۵	۷۱/۳۴۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۱



شکل ۴. تأثیرپذیری هر یک از مؤلفه‌های توسعه زیست‌محیطی از مدیریت مشارکتی

با نگاهی به امتیازات کسب شده می توان نتیجه گرفت که امتیاز کل بعد اجتماعی (۷۲/۳۴)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد. امتیاز کسب شده در هر یک از مؤلفه های اجتماعی برحسب درصد نیز به صورت نمودار در شکل (۲) نمایش داده شده است. از بین مؤلفه های مطرح شده، بیشترین میزان تأثیر مدیریت مشارکتی در مؤلفه (مشارکت و کنترل محلی) و کمترین میزان تأثیر مدیریت مشارکتی در مؤلفه (رعایت حقوق انسانی) می باشد. همچنین در بعد اقتصادی، امتیاز کل (۷۲/۴۸)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد. همچنین از بین مؤلفه های مطرح شده، مؤلفه عدالت و رفاه اقتصادی با امتیاز (۷۳/۱۱)، بیشترین میزان تأثیر را از مدیریت مشارکتی به خود اختصاص داده است. شکل (۳). در نهایت، امتیاز کل بعد زیست محیطی (۷۱/۳۴۵)، در وضعیت سبز و سطح کیفی خوب قرار دارد، و بین مؤلفه های مطرح شده، مؤلفه تقویت آگاهی های زیست محیطی با امتیاز (۷۲/۴۴)، بیشترین میزان تأثیرپذیری را از مدیریت مشارکتی به خود اختصاص داده است (شکل ۴).

نتیجه گیری

مدیریت مشارکتی بیان گر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه، به ویژه اخلاق توسعه محلی، برای حصول به همبستگی و مشارکت و افزایش کیفیت زندگی در جهت برقراری عدالت اجتماعی است. با اندکی تأمل به سادگی می توان از جایگاه، شأن، اهمیت مدیریت مشارکتی، شاخص های آن در معادلات توسعه ای کشور ایران سخن گفت، اما در سطح ایران و مناطق شهری و پیراشهری به رغم پیشرفت های صنعتی و اقتصادی در قوانین کلی کشوری و سیاست ها و برنامه های توسعه کشور در امر توسعه محلی، شاهد تغییرات چندانی به نسبت دیگر حوزه ها به طور عینی نبوده ایم، چراکه هنوز در ادبیات عملی سیاست های توسعه ای و همچنین متولیان توسعه، مدیریت مشارکتی تقریباً ناشناخته و به ندرت آزمایش شده است. لذا، توجه بیشتر مسئولان نسبت به این رکن اساسی توسعه ضروری است. بر این اساس، تحقیق حاضر بر آن بوده است ضمن بررسی وضعیت مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی عرصه پیراشهری صفادشت، به بررسی ارتباط بین دو متغیر پرداخته و در نهایت به رتبه بندی هر یک از مؤلفه ها در ابعاد مورد مطالعه پرداخته شد.

مطابق نتایج به دست آمده، وضعیت مدیریت مشارکتی در عرصه پیراشهری صفادشت نامطلوب ارزیابی شد، نتایج حاصل از پرسشنامه این موضوع را اثبات می کند. بر اساس نتایج هیچ طرح مشارکتی یا برنامه آموزشی در زمینه در سطح منطقه توسط نهادهای مدیریتی اجرانشده، همچنین مسئولان از وجود یا فعالیت نهادهای مردم نهاد و مشارکت مردم در سطح منطقه هیچ اطلاعی نداشتند، ابزارهای قانونی شفاهی هم برای ابراز خواسته ها و نظرات شهروندان تدارک دیده نشده است. حضور شهروندان نیز در ساختمان هایی از جمله شورا و شهرداری بیشتر به خاطر مشکلات و مسائلی بوده که برای کسب و پیشه یا زمین و ساختمان هایشان اتفاق افتاده است، بنابراین با مدیریت مشارکتی ضعیف، توسعه جوامع محلی نیز در وضعیت نامطلوب قرار دارد.

در این راستا، بین دو متغیر (مدیریت مشارکتی و توسعه جوامع محلی) ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد. در واقع دستیابی به اهداف توسعه جوامع محلی در عرصه پیراشهری صفادشت، از طریق به کارگیری رویکرد مدیریت مشارکتی، با استفاده از مشارکت شهروندان و نهادهای غیردولتی و عمومی محله و با شرط فراهم آوردن شرایط پایه و پیش زمینه های به کارگیری این رویکرد، می تواند امکان پذیر شود؛ هر چند که به دلیل کم رنگ بودن سرمایه اجتماعی، پایین بودن

مشارکت شهروندان، و نبود سازوکار مشخص، وضعیت منطقه صفادشت از منظر مدیریت مشارکتی، نیاز بیشتری به رسیدگی و سازمان‌دهی دارد.

در ادامه نیز با توجه به نتایج به‌دست آمده، از دیدگاه متخصصان، وضعیت مؤلفه‌های (مشارکت و کنترل محلی) در بعد اجتماعی، (عدالت و رفاه اقتصادی) در بعد اقتصادی، (تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی) در بعد زیست‌محیطی، نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشترین میزان تأثیر را از مدیریت مشارکتی به خود اختصاص خواهند داد.

در بعد اجتماعی، آنچه تمایز مدیریت شهری را در بین مناطق شهری مشخص می‌کند، مسئله مشارکت و کنترل محلی می‌باشد. با مدیریت مشارکتی مطلوب در عرصه صفادشت، مشارکت ساکنین محلی در طرح‌های شهری، و مسائل مربوط به زندگی‌شان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... افزایش می‌یابد، و به دنبال آن نیز کنترل مسائل را به دست خواهند گرفت. در بعد اقتصادی نیز، با ارتقاء مدیریت مشارکتی، وضعیت درآمد و اشتغال، توزیع درآمدی و عایدی ساکنین محلی، توزیع فرصت‌های شغلی، کاهش فقر، و توزیع قدرت، نیز بهبود خواهد یافت. در واقع، مدیریت مشارکتی، فرصت‌های برابر برای همه ساکنین منطقه در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی‌شان و اجرای عدالت را فراهم می‌کند.

در بعد زیست‌محیطی، اصولاً معضلات زیست‌محیطی، خواه ملی و یا بین‌المللی، زمره مسائلی هستند که انسان در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها به آن مواجه می‌باشد. از سوی دیگر، مهم‌ترین ویژگی سیاست‌گذاری کارآمد و موفق در حیطه‌های مختلف جوامع امروزی مشارکت محوری بودن آن است، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که به‌تبع نیازمند مشارکتی مردمی است حیطه‌ای محیط‌زیست است. ابتدا باید توجه داشت که مشارکت مردم در تأمین امنیت محیط‌زیست به این معنا نیست که تمام مردم در نهادهای دولتی متولی محیط‌زیستی عضو شوند و یا این که به‌طور غیرمستقیم با این نهادها همکاری نمایند، در واقع منظور این است که در عصر حاضر وضعیت و معضلات محیط‌زیستی تنها به اقدام دولت و فعالیت نهادهای دولتی اکتفا نمی‌گردد بلکه حضور مردم را می‌طلبد. در این راستا، زمانی که مدیریت مشارکتی در عرصه صفادشت فراهم گردد، مؤلفه تقویت آگاهی‌های زیست‌محیطی نیز در بین ساکنین محلی از طریق (آموزش و برگزاری همایش‌های مختلف در راستای حفظ محیط‌زیست)، افزایش می‌یابد. همان‌طور که مایر (Myer, 2011) مطرح می‌کند، آموزش محیط‌زیست و ارائه اطلاعات روزآمد و مرتبط با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، استفاده از ارتباطات مناسب و مؤثر برای ایجاد انگیزه، حمایت از توانایی افراد برای اقدام از طریق دستیابی به مهارت‌های زندگی و آگاهی‌های زیست‌محیطی، می‌تواند منجر به تغییرات پایدار در نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و نهایتاً توسعه زیست‌محیطی شود.

درنهایت، در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، با توجه به مفاهیم در حال تغییر توسعه جوامع محلی و جایگاه مردم در توسعه، امروزه نوع مدیریت در جامعه پیراشهری برای نیل به توسعه محلی، که در آن انسان‌محور توسعه بوده و هدف نهایی آن نیز رساندن انسان به رضایتمندی در زندگی خود است، مدیریت مشارکتی یا نوین است. بنابراین نتایج پژوهش با مطالعات (سواری و اسکندری دامنه، ۱۳۹۸، زارع و همکاران، ۱۳۹۹، کریم‌زاده جعفری و ملک‌نیا، ۱۳۹۹، شهو حسین، ۲۰۱۴، بادو و باتینو، ۲۰۱۸)، همخوانی و مطابقت دارد. در ادامه نیز در راستای نتایج به‌دست آمده، راهکارهای ذیل نیز پیشنهاد گردیده شد:

- با توجه به نتایج به دست آمده، و وضعیت نامطلوب مدیریت مشارکتی در بین مردم و سازمان‌های شهری، به نظر می‌رسد بهتر است اطلاع‌رسانی در زمینه مشارکت از طریق رسانه‌هایی که اقبال عمومی بیشتری نزد مردم برخوردار هستند صورت گیرد، و مسئولین از طریق رسانه‌های تبلیغاتی پرمخاطب اطلاعات و آگاهی‌های بیشتری در رابطه با بحث مشارکت در اختیار مردم قرار دهند؛ و
- ایجاد شورای محلی در محلات و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها می‌تواند راه ارتباطی بین مردم با نهادهای شهری و مسئولین را فراهم نماید، زیرا عضویت مردم در این شوراها به عنوان یک انجمن محلی آگاهی آنان را در رابطه با مسائل صفا داشت افزایش خواهد داد و زمینه پذیرفتن برخی از مسئولیت‌های نهادهای شهری توسط مردم را ایجاد می‌نماید.

منابع

- آذربایجانی، کریم و جواد، دریایی. ۱۳۸۶. بررسی تأثیر عملکرد شوراهای شهر بر اثربخشی شهرداری‌ها (مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر و شهرداری آباد). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. دوره ۷. شماره ۲۵. صص ۱۳-۲۸.
- اسکندری ثانی، محمد و ژیلا، سجادی. ۱۳۹۳. کنش جمعی، توسعه اجتماعات محلی و نقش آن‌ها در کاهش فقر شهری موردشناسی: نعمت‌آباد تهران. جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای. دوره ۴. شماره ۱۱. صص ۳۱-۴۸/
- حیدری ساریان، وکیل. ۱۳۹۶. سنجش و رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر. مجله آمایش جغرافیایی فضا. سال ۷. شماره ۲۳.
- رجبی، آزیتا و حصاری‌نژاد، جعفر. ۱۳۹۲. شرکت‌های مردم‌نهاد شهری؛ راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۴. صص ۱۱۱-۱۲۹.
- رحمانی، امیر و رحمانی، محمد. ۱۳۹۵. ارزیابی عوامل ساختاری-نهادی مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی (نمونه موردی: روستاهای واقع در حریم کلانشهر همدان). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۱۳ شماره ۵۲.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی‌قیداری، حمدالله. عینالی، جمشید. ۱۳۸۶. نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰. شماره ۲.
- زارع، الهام و فرامرزی اصل، مهسا. عباسی پارام، الناز. ۱۳۹۹. بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگلج تهران). معماری شهر پایدار. سال ۶. شماره اول. صص ۱۰۱-۱۱۶.
- سواری، مسلم و اسکندری دامنه، حامد. ۱۳۹۸. نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در جنوب استان کرمان. برنامه‌ریزی و آمایش فضا. دوره ۲۳. شماره ۲.
- عوض‌پور، لیلا و قربانی، مهدی. عرفان‌زاده، رضا. ۱۳۹۶. تحلیل موقعیت کنشگران و سرمایه اجتماعی ذی‌نفعان در راستای مدیریت مشارکتی سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک (مطالعه موردی روستا حق‌الخواجه، شهرستان میامی، استان سمنان). مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران). د ۷۰. شماره ۲. صص ۴۴۸-۴۳۵.
- قربانی، مهدی و موسوی، هما. اسماعیلی، بهناز. ۱۳۸۷. تحلیل سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت مشارکتی مناطق خشک. تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ج ۲۵. شماره ۲. صص ۳۸۷-۳۷۸.
- فرشاد، لقمان و ساریخانی، عادل. بهادری، بهناز. ۱۳۹۹. نقش جشنواره انار در توسعه پایدار گردشگری جوامع محلی در نواحی مرزی مورد مطالعه: (روستاهای منطقه اورامانات شهرستان پاوه). جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳. شماره ۱.

- فرید، یدالله. ۱۳۷۵. **جغرافیا و شهرشناسی**. چاپ چهارم. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- کریم‌زاده جعفری، الهام و ملک‌نیا، رحیم. ۱۳۹۹. **نگرشی بر رویکرد مدیریت مشارکتی جوامع محلی ذینفع جنگل**. همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم کشاورزی و منابع طبیعی ایران.
- کاظمیان، غلامرضا و ضیایی، محمود. امیری، مقصود. مرادی، حسین. ۱۳۹۷. **ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان‌شهر تهران (مورد مطالعه: منطقه ۲۲)**. جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، شماره ۲. صص ۳۶۱-۳۷۸.
- مشکینی، ابوالفضل و پورموسوی، سید موسی. مودن، سهراب. ۱۳۹۳. **ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری مطالعه موردی: محله اوین تهران**. فصلنامه مطالعات شهری. شماره ۶. صص ۳۱-۴۲.
- یوسفی، رضا و آقازاده، سمیرا. اکبری، ناصر. تقی‌زاده، بهرام. ۱۳۹۴. **بررسی نقش مدیریت مشارکتی در بهبود فرایند مدیریت انسانی**. کنفرانس‌های بین‌المللی پژوهش‌های نوین مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول. موسسه‌ی مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.

- Adell, G.2003. **theries and models of the pre – urban interface: A changing conceptual landscape, strategic environmental planning and management for the peri – urban in terface research project**. perelompment planning unit (DPU) university college London.
- Bado, V. B. and Bationo, A. 2018. **Chapter One - Integrated Management of Soil Fertility and Land Resources in Sub-Saharan Africa: Involving Local Communities**. Advances in Agronomy, Volume 150, 2018, PP. 1-33.
- Flora, C.B.,Flora, J.L. 1993. **“Entrepreneurial Social Infrastructure: A Necessary. Ingredient.”** Annals of the American Academy of Political and Social Sciences 539: 48-58.P.11.
- Friedmann, J., 2008, **the Uses of Planning Theory: A Bibliographic Essay** Journal of Planning Education and Research, No. 28, PP. 247-257.
- Hollmann, R. Merchant, CJ. Saunders, R. Downy, C. Buchwitz, M. Cazenave, A. Chuvieco, E. Defourny, P. de Leeuw, G. Forsberg, R. and Holzer-Popp, T. 2013. **The ESA climate change initiative: Satellite data records for essential climate variables**. Bulletin of the American Meteorological Society, 94(10), 1541-1552.
- Shehu Hussain, M. 2014. **The Role of Cooperative Organizations in Rural Community Development in Nigeria Prospects and Challenge**. Academic Research International, 5(3):PP. 189-197.
- Gilchrist, A. 2004. **The well-connected community: a networking approach to community development: Community Development Foundation (Great Britain)**, The Policy Press, UK.P. 9.
- Myer, V.2011. **The Ecological Footprint, The ecological footprint as an environmental education tool for knowledge**. Attitude and behaviour changes towards sustainable living: a case study, Master thesis submitted to the University of South Africa, <http://uir.unisa.ac.za/handle/10500/2248>. Pdf, (accessed: February 21, 2011).
- Onyx, J. & Bullen, P.2005. **Measuring social capital in five communities, l capital and its influencing factors among rural residents (case study, Uramanat area Kermanshah Province)**. Journal of Rural Planning, 2(4): no51, 52.
- Onyx, J., Bullen, P. 2000. **“Sources of social capital”**. In I. winter (Ed), social capital and public policy in Australia (pp. 105 – 134). Melbourne: Australian Institute of family studie
- Williams, C. C. 2004. **Community Capacity Building: A Critical Evaluation of the Third Sector Approach**. Review of Policy Research, 21(5), 729-733.